

بررسی سطح تحصیلات و سن بر رفتار دینی زنان جنوب کشور

دکتر مجید صفاری نیا^۱، دکتر علیرضا آقا یوسفی^۲، حمیدرضا ایمانیفر^{۳*}

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تاثیر سطح تحصیلات و سن بر رفتار دینی زنان جنوب کشور می-باشد. جامعه آماری این پژوهش زمینه‌یابی تمامی دختران محصل سال اول دوره تحصیلات راهنمایی تا دانشجویان سال آخر دانشگاه بود و آزمودنی‌ها، با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۷۵۰ آزمودنی، از ۵ شهر جنوب کشور که در دسترس بودند، انتخاب گردیدند. برای سنجش رفتار دینی از آزمون اصلاح شده نزارالعانی (۱۳۸۴)، با روایی و پایایی قابل قبول استفاده گردید. نتایج تحلیل واریانس عاملی و آزمون تعقیبی توکی نشان داد که رفتار دینی زنان با تحصیلات بالاتر از دیپلم به-گونه معنی‌داری کمتر از زنان با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر (گروه سیکل و پایین‌تر و گروه بالاتر از سیکل تا دیپلم) بود. هم‌چنین بین رفتار دینی با سن آزمودنی‌ها رابطه منفی معنی‌دار وجود داشت. نتایج بحث انگیز این پژوهش در کنار محدودیت‌های آن لزوم تحقیقات بیش‌تر در این زمینه را پیشنهاد می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: رفتار دینی، زن، روانشناسی دین

^۱ - دانشیار دانشگاه پیام نور و رئیس انجمن روانشناسان اجتماعی ایران m.saffarinia@yahoo.com

^۲ - دانشیار دانشگاه پیام نور, arayeh1100@gmail.com,

^۳ - دانشجوی دکتری پیام نور

*- نویسنده مسئول مقاله: imanifar@gmail.com

پیشگفتار

مذهب و تحصیلات دو جنبه آشکار زندگی اجتماعی بشر است. هر یک از این دو تاثیرات بسیاری بر افراد انسانی داشته است. برای مثال مشارکت مذهبی با همکاری در موسسات خیریه (Andreoni, 2006)، شرکت در انتخابات (Hungerman & Gerber, 2010)، سطح پایین رفتارهای پرخطر (Hungerman, 2010)، سلامتی بهتر (Johnson, Tompkins, Webb, 2002)، در ارتباط بوده است. اما رشد جوامع به سمت مدرنیته دستاوردهای علمی زیادی را در سال‌های اخیر برای انسان به وجود آورده است از اینرو دانشمندان جامعه‌شناسی پیش‌بینی کرده‌اند که رشد علم ممکن است در مذهب تاثیرات متضادی داشته باشد. برای مثال نتایج پژوهش گاندرمن (Hungerman, 2011)، نشان داد که ارتباط منفی و معناداری بین سطح تحصیلات و مذهب وجود دارد. هدف از این پژوهش بررسی این موضوع یعنی تاثیر سطح تحصیلات و سن بر رفتار دینی زنان جنوب کشور می‌باشد.

نگاهی عمیق‌تر از سطح عادی به رفتار آدمیان دو دسته رفتار متمایز در زندگی آنان را نشان می‌دهد. بخشی به منظور تداوم حیات بر کره خاک انجام می‌شود که رفتار خوردن، آشامیدن، رفتار جنسی، برقرار نمودن ارتباط با دیگران و تفریح و سرگرمی از آن جمله است. آدمی این دسته از رفتار را برای استمرار، حفظ تعادل و بهینه‌سازی زندگی انجام می‌دهد. در کنار رفتارهای یاد شده، حتی انسان‌های آغازین، بر اساس شواهد تاریخی، در مجموع رفتار نوع دیگری نیز داشته‌اند که از حوزه‌های دیگر حکایت می‌کند. رفتار دعا، پرستش، کرنش، مددجویی و راز و نیاز با مبدا مرموز و غیبی از آن جمله است. انسان به موجودی قاهر و دخیل در زندگی خود اعتقاد پیدا می‌کند، در مقابل او کارهایی انجام می‌دهد، برای حفظ عقاید خود اسطوره می‌سازد، جان می‌دهد، خون می‌ریزد و نیاز درونی خود را به ده‌ها صورت ابراز می‌کند. دسته دوم رفتار نه تنها اصالت دارند، بلکه بسیاری از رفتار نوع اول انسان را نیز محدود و حتی متوقف می‌نماید تا زمینه مناسب‌تر برای رفتار نوع دوم فراهم گردد (Bush, 1997).

هرچند که از نظر بعضی از محققان مثل دورکهایم تلاش برای شناخت دین با تبیین‌های روانشناختی، به این دلیل که دین اساساً پدیده‌ای جامعه‌شناختی است حاصلی جز گمراهی ندارد، اما پس از او بسیاری نتوانستند در برابر وسوسه استفاده از تبیین‌های روانشناختی مقاومت کنند. مالدینوسکی را می‌توان به عنوان نمونه مشهوری از این مورد ذکر کرد (Benen, 1987). دیدگاه‌های عمده به مطالعه علمی دین را می‌توان به ۵ رویکرد منحصر کرد. رویکردهای تاریخی، روانشناختی، جامعه‌شناختی، پدیدار شناختی و ساختارگرا (peter, 1981) به نقل از (Hemmati, 1376) که در این پژوهش از رویکرد روانشناختی به مطالعه علمی دین پرداخته شده است.

اکنون نزدیک به ۳۰ سال است که از انقلاب شکوهمند ایران که با هدف اصلی رشد اخلاق و معنویت و دین بنیان گردیده است، می‌گذرد. بررسی رشد دینی و اخلاقی در بین زنان و دختران و رابطه آن با سطح تحصیلات و افزایش سن در خور توجه خواهد بود. اکنون باید دید که آیا دانشگاه‌ها و مدارس ما در رشد اعتقادی همسو با اهداف متعالی انقلاب اسلامی حرکت کرده‌اند. یا آنکه با افزایش سطح تحصیلات و سن زنان از باورهای اعتقادی آنان کاسته شده است. هدف از این پژوهش، بررسی تاثیر سطح تحصیلات و سن بر رفتار دینی در زنان جنوب کشور می‌باشد. این پژوهش می‌خواهد به این پرسش پاسخ دهد، که چه رابطه‌ای بین رشد دینی و سن زنان وجود دارد؟ و هم‌چنین آیا بین سطح تحصیلات و رشد اعتقادی زنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ و نهایتاً اینکه تعامل همزمان دو متغیر سطح تحصیلات و سن بر رفتار دینی زنان جنوب کشور چیست؟

واژه دین در لغت به معنای اطاعت، جزا، حساب، عبادت، بکار بردن، حکم، قهر، قضا و داوری آمده است. در حواشی برهان قاطع، دین اساساً واژه‌های فارسی دانسته شده که در زبان پهلوی و اوستایی به معنای کیش، خصایص روحی تشخیص معنوی و وجدان به کار می‌رفته و در زبان اکدی و آرامی، در معنای قانون، حق و داوری کاربرد داشته و از آنجا به زبان عربی راه یافته است. بعضی از غربیان نیز با رویکرد لغوی به واژه دین در زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های اروپایی پرداخته‌اند. آنان (religion) را از ریشه لاتینی (religio) به معنای محکم بستن دانسته، چنین نتیجه گرفته‌اند که دین چیزی است که مردم را به هم پیوند می‌زند، یا هویت شخصی افراد را از یکدیگر متمایز می‌سازد (Mesbah, 2005).

علامه طباطبایی بر همین اساس می‌نویسد "کلمه ایمان به معنای اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن است. پس صرف اعتقاد، ایمان نیست. مگر آنکه به لوازم آن چیزی که بدان معتقد شده‌ایم ملتزم شویم و آثار آن را بپذیریم چون ایمان همان علم به چیزی است، اما علمی توأم با سکون و اطمینان به آن و ممکن نیست چنین سکون و اطمینانی از التزام به لوازمش منفک باشد" (Tabatabae, 1985).

رویکردهای روانشناختی در تحلیل چیستی دین، به بعد درونی انسان، یعنی ساحت روحی و روانی از حیث احساسی و عاطفی معطوف است. از منظر روانشناختی، دین تا حدی عقلی، تا حدی عاطفی و تا حدی هم عملی است. اما دین بیش از تجربه، صرفاً درونی است و همواره به یک موضوع مورد پرستش و ایمان اشاره دارد (Khakigharamaki, 2005).

صرف نظر از اختلاف نظرهای موجود در چگونگی ظهور روانشناسی، اندیشمندان صاحب نامی مانند گالتون (۱۸۷۲) و ویلیام جیمز (۱۹۰۲) استانی هال (۱۹۲۴-۱۸۴۴) شارکو (۱۸۹۳-۱۸۲۵) و

ژانه (۱۹۴۷-۱۸۵۹) در مباحث خود مطالعات مربوط به دین را همواره مورد توجه قرار داده‌اند. راهبرد جیمز برای تبیین روانشناسی مذهب و دین بر تجربه شخصی استوار است. بر اساس دیدگاه وی که بر گرفته از آموزه‌های عملگرایانه است، آزمون هر عقیده‌ای این است که آن عقیده چه تغییری در در زندگی شخصی پدید می‌آورد و همین آزمون است که گذرگاه انواع گوناگون جهان بینی‌هاست (Bahrami, 2000).

ونت برای درک پدیده‌های روانشناختی مذهب، ضرورت استفاده از روانشناسی عامه را ترجیح می‌دهد. وی گمانه‌زنی‌های محدود در آزمایشگاه یا مطالعات موردی را برای درک فرایندهای مذهب ناکافی و گمراه کننده می‌داند. در نهایت تفسیر ونت از پدیدآیی مذهب در چهارچوب تحولی و با تکیه بر فرافکتی احساسات و نیازهای انسان به جهان پیرامون شکل می‌گیرد. وی معتقد است که خلق چنین دنیایی تابع فرایند جاندارانگاری است. ونت در پیروی از سنت زمانه خود که تحلیلی تاریخی از ظهور ادیان است. در نهایت روابط نزدیکی بین ارسطو و دین را برقرار کرده و دین را صورت متعالی همان اسطوره قلمداد می‌کند (Bahrami, 2000).

اما درمانگرانی که با جهت‌گیری روان تحلیلی‌گری کار می‌کردند، تمام گرایش‌های مذهبی را نشانه‌های انحراف از سلامت می‌دانستند، و آنها را روان آزرده وار تلقی می‌کردند. تحت تاثیر فروید روان تحلیلگران معتقد بودند که پیوند با خداوند ادامه وابستگی دوران کودکی است. بر اساس نظریه روان تحلیلی‌گری اعمال مذهبی تکرار رفتارهای آزرده وار کودکی درباره والدین است. فروید می‌گوید تا زمانی که دنیا تهدید آمیز و غیر قابل پیش بینی است، انسان در پی یک پدر متعالی است، تا احساس محافظت و احساس ایمنی را در درون به وجود آورد (Jena, 1995). به نقل از Janbozorgi, (2000).

فروید در بخش‌های گوناگونی از کتاب خود و بویژه کتاب توتام و تابو (۱۹۱۲) آینده یک پندار تمدن و ناخرسندی از آن (۱۹۳۰) و موسی و یکتا پرستی (۱۹۳۹) به تفصیل موضوع مذهب و جایگاه روانشناختی آن را به چالش کشیده است. تصویری که وی نهایتاً از مذهب ارائه می‌کند عمیقاً مرضی و آسیب شناختی است. از دیدگاه فروید، خداوند جایگزین پدری قدرتمند است که نهایتاً در جان بیمار بشریت منبع اختلالات روانی خواهد بود (Ervin, 2001). به نقل از، (Azarbaejani, 2005).

یونگ از دیدگاه فروید فاصله گرفت و حتی ترجیح داد به جای اصطلاح روانکاو یا روان تحلیلی‌گری که موسوم به روانشناسی وین بود، از اصطلاح روانشناسی تحلیلی استفاده کند که بعدها به روانشناسی زوریخ مشهور شد. در هیچ یک از قلمروها و موضوعات، اختلاف میان فروید و یونگ روش‌تر از دیدگاه‌های آنان درباره دین نیست. یونگ الحاد جزم اندیشانه فروید را نمی‌پذیرد، بلکه

برای تمام ادیان ارزش واقعی قایل است. از نظر فروید دین پدیده‌ای آسیب زاست ولی یونگ دین را پدیده‌ای شفافبخش می‌داند. در ابتدا ایده‌های یونگ شبیه فروید بود و عقاید مذهبی را فراقنی تصاویر مذهبی می‌دانست. اما با کشف ناهشیار جمعی از سوی یونگ تمام این تصورات تغییر یافت. به نظر وی دین یک نوروز نیست. بلکه برای رشد و تکامل شخصیت نیاز است. به تصویر یونگ دین بر مسائل جنسی مبتنی نیست. زیرا لیبیدو بسیار گسترده‌تر از اینها است. هم‌چنین به نظر وی تصاویر انسان‌ها از خدا بر پدر شخصی مبتنی نیست. زیرا لیبیدو بسیار گسترده‌تر از اینها است. بلکه بر صورت کهن الگو پدر مبتنی است. بر خلاف فروید یونگ مدافع دین است، و فکر می‌کند که تجارب مذهبی به یک معنا واقعی هستند و دین برای جامعه ضرورت دارد (Azarbaejani, 2005).

در زمینه تاثیر دین بر پیشرفت تحصیلی آدامز (Adams, 2004)، رابطه همبستگی معناداری را بین نگرش مذهبی و پیشرفت تحصیلی یافت، اما بین هسته کنترل و نگرش مذهبی افراد رابطه‌ای را مشاهده نکرد. مککان (Mckune, 2007)، ارتباط مثبتی را بین مذهب و موفقیت تحصیلی نشان داده است. هر چند که علت آن را ناشی از عوامل خانوادگی و اجتماعی و همسویی نگرش والدین و فرزندان آنها می‌داند.

امروزه پژوهشگران مسلمان با علاقه و حساسیت قابل تقدیری به پژوهش در زمینه روانشناسی اسلامی، دین و دینداری و عملیاتی کردن مولفه‌های آن با استفاده از منابع قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین (ع) روی آورده‌اند. یکی از مهمترین پرسش‌هایی که درباره مطالعات روانشناسی دینی به طور اعم و روانشناسی اسلامی به طور اخص مطرح می‌باشد این است که آیا اصولاً مطالعه علمی دین امکان پذیر است. در صورت امکان پذیر بودن، آیا ابزار معتبری برای ارزیابی نگرش‌های دینی افراد جامعه و سنجش میزان دینداری افراد وجود دارد؟ بر این اساس پژوهشگران کشورمان مدل‌های متفاوتی از موضوع روانشناسی اسلامی و نیز ساختار معارف و تعالیم مذهبی ارائه و وضعیت دینداری افراد جامعه را مطالعه کرده‌اند. این پژوهش‌ها بر اساس سال انجام پژوهش عبارتند از: علوان آبادی (۱۹۷۰)، گلریز (۱۹۷۱)، سراج زاده (۱۹۹۷)، آراین (۲۰۰۰)، باقری، خسروی و اسکندری (۲۰۰۰)، جان بزرگی (۲۰۰۰)، خدایاری فرد و همکاران (۲۰۰۰)، گلزاری (۱۳۷۸)، بهرامی (۲۰۰۰)، طالبان (۲۰۰۰)، خدایپناهی و خوانین زاده (۲۰۰۱)، اکبری و پارسا (۲۰۰۱)، رجب زاده (۲۰۰۱)، آذربایجانی (۲۰۰۲)، نیکخواه (۲۰۰۲)، معتقد لاریجانی (۲۰۰۳) و شریفی (۲۰۰۳)، (به نقل از؛ khodayarifard, 2005).

ساخت مقیاس‌های دینی را می‌توان مسبوق به دو تحول کم و بیش عمده در تاریخ علوم انسانی دانست. نخستین تحول امکان پذیر شمردن مطالعه علمی دین است که معمولاً طرح آن را به ماکس مولر (۱۸۲۳، ۱۹۰۰) نسبت می‌دهند و دومین تحول، امکان پذیر شمردن اندازه‌گیری

روانشناختی است که در تاریخ روانشناسی علمی با نام گوستاو تئودور فخنر (۱۸۸۷-۱۸۰۱) پیوند خورده است. مولر کتاب درآمدی بر علم ادیان خود را ۱۳ سال پس از انتشار کتاب اصول روان فیزیک فخنر (۱۸۶۰) منتشر کرد. ساخت مقیاس‌های دینی از آن جهت که مقیاسی از اندازه‌گیری روانشناختی است به‌گونه مستقیم به فخنر مربوط می‌شود، اما از جهت عام‌تر به واسطه آنکه بخشی از تلاش برای دین‌شناسی علمی (روانشناسی دین) است، به مطالعه علمی دین تکیه دارد. از اینرو برای کمی‌سازی دین لازم است که از دو راه اندازه‌گیری روانشناختی و مطالعه علمی دین استفاده نمود (Boland, 2005).

بررسی سنجش و ارزیابی روانی به شکل پرسشنامه بنا به نظر نزار العانی از دانشگاه بحرین دارای پیش فرض‌های زیر است. ۱- از رفتارهای خصوصی افراد نباشد، ۲- از نظر شرعی مشاهده آن جایز باشد، ۳- آزادی کامل در پاسخ دادن به بعضی از پرسش‌های آزمون، ۴- اعتماد به پاسخ‌های آزمودنی، ۵- پرسش‌نامه نباید در بردارنده رفتارها و عبارات‌های باشد که عقیده و ایمان فرد را مورد تشکیکی قرار دهد، ۶- از راه رفتار می‌توان بخش‌هایی از میزان ایمان را مورد سنجش قرار داد (Nezaralani, 2005).

متون اسلامی نه تنها اصل وجود تفاوت‌های فردی در دینداری را مورد تایید قرار داده است بلکه در مجموع می‌توان از آیات قرآن استنباط کرد که توزیع دینداری در میان انسان‌ها همچون سایر ویژگی‌های انسانی به صورت توزیع منحنی طبیعی است (Salarifard, 2005).

تحقیقات بین‌المللی از ایمان اکثریت مردم جهان به باورهای معنوی حکایت می‌کند و تحقیقات در ایران نیز بر روی یک نمونه ۲۴۲۷۶ نفری از مردم ۱۲ تا ۹۸ ساله ایران (که هشت استان نمونه را در برمی‌گرفت) نشان می‌دهد که اکثریت عظیم قریب به اتفاق مردم ایران به خداوند اعتقاد دارند و موهبت‌های معنوی زندگی را قدر می‌شناسند. در پژوهشی دیگر که روی نمونه عظیم ۷۵۳۰۱ نفری از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله تمام استان‌های ایران صورت گرفت، به نتایجی از جمله اینکه ۹۱ درصد جوانان معتقدند دعا و توسل در شفای بیماران تاثیر مثبت دارد. نذر کردن در حل مشکلات ما تاثیر مثبت دارد و توکل به خداوند به ما نیرو می‌دهد تا بر مشکلات غلبه کنیم، بدست آمد (lotfabadi, 2005).

سوابق مطالعاتی گاهی با نتایج متضادی از تاثیر مذهب بر سلامتی روبرو بوده است. الیس (۱۹۸۰ به نقل از Bahrami, 2005)، نیز معتقد است که افراد مذهبی در مقایسه با افراد غیر مذهبی دارای اغتشاشات هیجانی بیش‌تری هستند. در پاسخ به نظریه الیس، برگین (۱۹۸۳) به نقل از Bahrami, 2005، با پژوهشی که به صورت فراتحلیلی انجام داد به بررسی تمام پژوهش‌هایی که تا سال ۱۹۷۹ انجام شده و در آن به نقش مذهب اشاره داشتند، پرداخت. وی درصدد بود تا نقش

مذهبی بودن را با هر نوع جدول آسیب شناختی در رابطه گذارد و فرضیه الیس را آزمون کند. او در جمع بندی نهایی خود ۳۰ تاثیر را بدست آورد: در ۲۳ نتیجه، تاثیر معناداری مشاهده نشد در ۵ پژوهش اثر مثبت مشاهده گردید. در دو مورد اثر منفی بین مذهبی بودن و جدول‌های آسیب-شناختی به دست آمد. وی در نهایت اعلام کرد که مرور بر تحقیقات گذشته آشکار می‌سازد که شواهدی برای اثبات فرضیه الیس وجود ندارد و شواهد اندکی نیز نشان دهنده نقش مثبت مذهب در درمان است. این یافته شبیه نتایجی است که کریچی و همکاران (۱۹۹۰) به نقل از 1994, Levin) بدست آوردند. آنها نیز در ۵۲ درصد از مطالعات ارتباط مثبت، ۱۹ درصد خنثی و ۲۹ درصد رابطه منفی گزارش کردند. در حالی که برخی تحقیقات از عدم همبستگی بین پیوند جویی و فرآوانی انجام اعمال مذهبی با سلامت و بهزیستی روانشناختی صحبت کرده‌اند. در اکثر تحقیقات، نقش مذهب، موثر و مفید تشخیص داده شده است، که می‌توانید به تحقیقات برام و همکاران (۱۹۹۷)، کالیانی (۱۹۹۷)، پیوک و یولما (۱۹۹۹)، هروی کریموری (۱۳۸۰)، سیف (۱۳۸۰)، ابراهیمی و نصیری (۱۳۷۶)، کریک پاتریک (۱۹۹۲) به نقل از مک فادن (۱۹۹۸)، پولوما و پندلتون (۱۹۹۱) الف به نقل از مک فادن (۱۹۹۸)، رکر، پیوک و ونگ (۱۹۸۷) به نقل از مک فادن (۱۹۹۸)، کورنوال (۱۹۸۹) به نقل از مک فادن (۱۹۹۸) و کراوس و تان وان ترن (۱۹۸۹). نتایج گاه متناقض فوق را می‌توان با توجه به نوع دین، نوع آزمون، سن، تحصیلات و محیط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه و روش‌های آماری بکار رفته در پژوهش توجیه کرد. اما به‌گونه کلی با مروری که بر برخی از سوابق پژوهشی شد. مشاهده گردید که بیش‌تر سوابق پژوهشی نشان دهنده تاثیر مثبت مذهب بر ویژگی‌ها، صفات، رفتار و به‌گونه کلی شخصیت افراد دارد. تردید و ایرادی که برخی از محققان نسبت به سودمندی مذهب دارند مانند آنچه پارگامنت مطرح کرده بود بیش از آنکه آن ایراد متوجه آموزه‌های مذهبی باشد متوجه برداشت نادرستی بود که افراد از مذهب پیدا می‌کنند. پارگامنت گفته بود برای بعضی افراد در برخی شرایط فرایندهای غلبه مذهبی ممکن است آثار زیانباری داشته باشد. تشویق مردم برای اینکه عقایدشان را بر دیگران تحمیل کنند به کارگیری پاسخ‌های بی‌خاصیت و غیر قابل انعطاف نسبت به فشارهای روانی و جز اینها از آن جمله هستند. این واقعیت که برخی افراد مذهبی تمایل دارند عقاید خود را به دیگران تحمیل کنند یا در مقابل فشارهای روانی پاسخ‌های بی‌خاصیت می‌دهند قطعاً درست است. اما این که آیا رفتارها نوعی آمیزه دینی است با تردید روبرو است (Motemedi, 2005).

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش زمینه‌یابی، شامل تمامی دختران سال اول راهنمای (۱۳ سال به بالا) تا دختران و زنان شاغل به تحصیل در یکی از دانشگاه‌های جنوب کشور می‌باشد که محل سکونت

آنها نیز در یکی از شهرستان‌های جنوب کشور (یکی از شهرهای بندری) بود. به علت حجم و پراکندگی زیاد آزمودنی‌ها، ابتدا به روش دردسترس، ۵ شهر از شهرهای جنوبی کشور برای نمونه-گیری انتخاب گردید. این شهرها عبارت بودند؛ از ۱- بوشهر، ۲- عسلویه، ۳- جاسک، ۴- چابهار، ۵-کنگان، که به علت مناسب بودن جمعیت آنها و در دسترس بودن جهت اجرای پژوهش انتخاب شدند. سپس به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، از هر شهر ۱۵۰ نفر انتخاب گردیدند، که از هر سطح تحصیلی (گروه اول: سیکل و پایین‌تر، گروه دوم: بالاتر از سیکل تا دیپلم، گروه سوم: بالاتر از دیپلم تا لیسانس) ۵۰ نفر انتخاب گردیدند. که جمع کل آزمودنی‌های هر پنج شهر، ۷۵۰ نفر گردید.

ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه کوتاه شده و تجدید نظر قرار گرفته نزار العانی (۲۰۰۵)، درباره رفتار دینی در دین مبین اسلام می‌باشد. به علت آنکه بعضی از پرسش‌های پرسشنامه اصلی نزارالعانی مناسب گروه سنی دانش آموز و دانشجو نبود و هم‌چنین تعداد پرسش‌های پرسشنامه اصلی (۲۰۰ گزینه چهار جوابی با مقیاس لیکرت) برای پاسخ دادن زیاد می‌نمود و بعضی از پرسش‌های تکراری نیز مشاهده گردید و هم‌چنین بعضی از پرسش‌های مناسب برادران اهل سنت بود، تصمیم به کوتاه نمودن و تجدید نظر در پرسش‌های آن گرفته شد. فرم نهایی با ۳۱ پرسش بود و پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹۷ بدست آمد. روایی محتوایی آن نیز توسط ۵ تن از مدرسین روانشناسی و علوم تربیتی تایید گردید.

نتایج پژوهش

این پژوهش با روش زمینه‌یابی بر روی ۷۵۰ آزمودنی در ۵ شهر بندری جنوب کشور اجرا گردید، نتایج آمار توصیفی این پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: نتایج آمار توصیفی پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین		
۰/۸۴۶	۱۳/۰۸	سن	گروه زیر سیکل
۱۷/۴۴۵	۵۸/۱۸	رفتار دینی	
۰/۹۸۲	۱۵/۶۰	سن	گروه سیکل
۱۸/۳۵۶	۵۷/۵۰	رفتار دینی	
۲/۶۸۹	۲۰/۶۰	سن	گروه بالاتر از سیکل
۱۸/۲۴۲	۵۳/۵۷	رفتار دینی	
۳/۵۷۰	۱۶/۴۳	سن	کل آزمودنی‌ها
۱۸/۱۰۹	۵۶/۴۲	رفتار دینی	

برای پاسخ به این پرسش پژوهش که آیا بین سطح تحصیلات و سن با رفتار دینی تعامل معنی-داری وجود دارد، نتایج تجزیه و تحلیل واریانس عاملی (جدول شماره ۲) بین سطح تحصیلات و سن بر رفتار دینی تعامل معنی‌داری وجود دارد و هم‌چنین نتایج آزمون تعقیبی توکی (جدول شماره ۳) نشان داد که گروه سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم از نظر رفتار دینی به‌گونه معنی‌داری از گروه سیکل و پایین‌تر ($p < 0/012$) و سیکل تا دیپلم ($p < 0/040$) نمرات پایین‌تر بدست آوردند.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل واریانس عاملی سن و سطح تحصیلات بر رفتار دینی

Sig.	F	df	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۹	۴/۸	۲	۱۵۴۹/۷	۳۰۹۹/۵	بین گروه‌ها
			۳۲۴/۷	۲۴۲۵۳۲/۷	دورن گروه‌ها

جدول شماره ۳: نتایج تجزیه و تحلیل آزمون تعقیبی توکی

Sig.	خطا استاندارد میانگین	تفاوت میانگین		
۰/۹۰۷	۱/۶۱۲	۰/۶۸	گروه سیکل تا دیپلم	گروه سیکل و پایین‌تر
۰/۰۱۲	۱/۶۱۲	۴/۶۱	گروه بالاتر از دیپلم	
۰/۰۴۰	۱/۶۱۲	۳/۹۳۲	گروه سیکل تا دیپلم	گروه بالاتر از دیپلم

برای پاسخ به این پرسش که چه رابطه‌ای بین سن و رفتار دینی وجود دارد نیز نتایج همبستگی پیرسون (جدول شماره ۴) نشان داد که بین رفتار دینی و سطح تحصیلات رابطه منفی معناداری ($p < 0/01$) وجود دارد.

جدول شماره ۴: نتایج همبستگی بین سن و رفتار دینی

Sig.	r	df	تعداد	
۰/۰۱	-۰/۲۰۷	۲	۷۵۰	سن و رفتار دینی

بررسی نتایج پژوهش

نتایج نشان داد که بین زنان با تحصیلات "زیر سیکل" و "سیکل تا دیپلم" از لحاظ رفتار دینی تفاوت معنی‌داری ($p < ۰/۹۰۷$) وجود ندارد، اما بین سطح تحصیلات "زیر سیکل" و سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم ($p < ۰/۰۱۲$) و هم‌چنین بین "سیکل تا دیپلم" و سطح تحصیلات بالاتر از دیپلم ($p < ۰/۰۴$) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. هم‌چنین نتایج دیگر پژوهش نشان داد که بین افزایش سن و رفتار دینی همبستگی منفی ($-۰/۲۰۷$) و معنی‌داری ($۰/۰۱$) وجود دارد. این یافته‌ها نشان دهنده آن است که اولاً با افزایش سطح تحصیلات از زیر دیپلم (زیر سیکل تا دیپلم) به بالاتر

از دیپلم (دانشگاه) رفتار دینی زنان کاهش می‌یابد. دوما این کاهش رفتار دینی در طول سال‌های راهنمایی، دبیرستان تا پایان اخذ مدرک دیپلم صورت نگرفته است، بلکه با ورود افراد به دانشگاه میزان رفتار دینی آنها کاهش می‌یابد. اگر تنها به نتایج این یافته رجوع شود، در مرحله اول می‌توان این برداشت را کرد که ورود زنان به دانشگاه با کاهش رفتار دینی آنها همراه بوده است. بدین معنی که افزایش سطح تحصیلات باعث کاهش رفتار دینی زنان گردیده است و حضور زنان در دانشگاه و افزایش سطح تحصیلات با کاهش رفتار دینی زنان مواجه شده است. البته در بررسی پاسخنامه‌ها و تفاوت‌های صورتی مشاهده شده بین آنها این فرضیه نیز مطرح می‌شود که تفاوت مشاهده شده بین افراد در قبل از دانشگاه و بعد از دانشگاه ناشی از درک متفاوت و شیوه پاسخ‌گویی آنها به پرسشنامه می‌باشد. از این رو پیشنهاد می‌گردد که در تحقیقات آینده علاوه بر رفتار دینی به باورها و عقاید دینی نیز توجه شود تا روند تغییرات ابعاد دینی با توجه به سن و سطح تحصیلات بهتر بررسی شود. بخصوص که اشکال اساسی تحقیقات پرسشنامه‌ای سطحی بودن این تحقیقات است (Delavar, 1997). از این رو لزوم تحقیقات بیشتر با رویکردهای دیگر پژوهشی مانند مصاحبه نیز توصیه می‌گردد.

هم‌چنین نتایج پژوهش تاثیر تعامل همزمان سن و سطح تحصیلات بر رفتار دینی زنان ($p < 0.009$) نشان داد که رفتار دینی زنان به‌گونه همزمان از متغیر سن و سطح تحصیلات تاثیر می‌پذیرد. یعنی در بررسی رفتار دینی باید به‌گونه همزمان به سن و سطح تحصیلات توجه گردد. تحقیقات پیشین انجام شده در این زمینه دارای نتایج متناقضی می‌باشد، این نتایج گاه متناقض را می‌توان با توجه به نوع دین، نوع آزمون، سن، تحصیلات و محیط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه و روش‌های آماری بکار رفته در پژوهش توجیه کرد. آدامز (Adams, 2004)، رابطه همبستگی معناداری را بین نگرش مذهبی و پیشرفت تحصیلی یافت، اما بین هسته کنترل و نگرش مذهبی افراد رابطه‌ای را مشاهده نکرد. مککان (Mckune, 2007)، ارتباط مثبتی را بین مذهب و موفقیت تحصیلی نشان داده است. هر چند که علت آن را ناشی از عوامل خانوادگی و اجتماعی و همسویی نگرش والدین و فرزندان آنها می‌دانند. در پژوهش لطف آبادی (Lotfabadi, 2005)، ۹۱ درصد جوانان معتقدند دعا و توسل در شفای بیماران تاثیر مثبت دارد. نذر کردن در حل مشکلات تاثیر مثبت دارد و توکل به خداوند به آنها نیرو می‌دهد تا بر مشکلات غلبه کنند. نتایج این پژوهش نیز در مقایسه با این پژوهش با توجه به سن آزمودنی‌ها و نوع پرسشنامه قابل توجیه می‌باشد. البته همسو با نتایج این پژوهش گاندرمن (Hungerman, 2011)، نشان داد که ارتباط منفی و معناداری بین سطح تحصیلات و مذهب وجود دارد.

البته گاهی نتایج متناقض را می‌توان متوجه برداشت نادرستی دانست که افراد از مذهب پیدا می‌کنند. پارگامنت معتقد است که برای بعضی افراد در برخی شرایط فرایندهای غلبه مذهبی ممکن است آثار زیانباری داشته باشد. تشویق مردم برای اینکه عقایدشان را بر دیگران تحمیل کنند به کارگیری پاسخ‌های بی‌خاصیت و غیر قابل انعطاف نسبت به فشارهای روانی و جز اینها از آن جمله هستند. این واقعیت که برخی افراد مذهبی تمایل دارند عقاید خود را به دیگران تحمیل کنند یا در مقابل فشارهای روانی پاسخ‌های بی‌خاصیت می‌دهند قطعاً درست است. اما این‌که آیا رفتارها نوعی آمیزه دینی است با تردید روبرو است (Motemedi, 2005). هم‌چنین همسو با این پژوهش، بیش‌تر تحقیقات انجام شده در روانشناسی اجتماعی نشان داده‌اند که اعتقادات نوجوانان با ورود آنان به دانشگاه از اعتقادات والدین فاصله می‌گیرد و پس از دانشگاه نیز تغییرات کمی در دیدگاه‌هایشان ایجاد می‌شود. دانشجویی که بیش‌تر عمر خود را تا قبل از دوره دانشجویی در خانواده سپری کرده و اطراف او را دوستان دوره کودکی که غالباً دارای نگرش‌های مشابه خود او بوده‌اند، احاطه کرده بودند، اکنون خود را در محیطی ناهمگن می‌یابند که در آن افراد از نظر نگرش‌ها، فرهنگ‌ها، خانواده‌ها، شهرستان محل تولد و نظایر آن با او متفاوتند و این مواجهه می‌تواند اثرات عمیقی در بسیاری از آنها داشته باشد. چه بسا بسیاری از نگرش‌هایی که با خود به محیط دانشگاه آورده بودند عوض می‌شود (Karimi, 2005). یافته‌های تحقیقات پیشین و نتایج این پژوهش توجه و دقت مسئولین ذیربط را به این نکته بسیار مهم جلب می‌کند که جدایی نوجوانان و جوانان از عقاید و رفتار مذهبی در زمان تحصیلات دانشگاهی رخ می‌دهد، از این رو توجه به طراحی، برنامه‌ریزی و اصلاح نظام فرهنگی حاکم بر تحصیلات سطوح عالی و تلاش برای فرهنگ‌سازی و واکسیناسیون کردن جوانان و بازگشت دوباره به فرهنگ اصیل اسلامی از اهم واجبات می‌باشد.

Reference

1. Adams , S. (2004). The Impact of Religiosity & Locus of Control on Academic Achievement in College Students . A Thesis submitted to the faculty of Webster University .
2. Andreoni , J. (2006) .Philanthropy,. in S-C. Kolm & J. Mercier Ythier, eds., *Handbook of Giving, Reciprocity and Altruism*. Amsterdam: North Holland, 1201-1269.
3. Azarbayejani, M.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom.[Persian]
4. Baenen, M. A. (1987). Malinowski, Bronislaw, In Elide, M. (ed): *The Encyclopedia of Religion*, New York: MacMillan, Vol. pp. 146-147.

5. Bahrami, E.H.(2000). Examine the fundamental components settlement proceeds in Iranian Azadegan. Psychology thesis of tarbiat modarres university. [Persian]
6. Boland, H.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. [Persian]
7. Bush, R.C and et al (1982). The Religious world:Communities of faith.New York: Macmillan.
8. Delavar, A. A (1997). Research Methods in Education & Psychology, Payam Noor University Press, second edition. [Persian]
9. Gerber, A., Gruber, & Hungerman,H. (2010). Does Church Attendance Cause People to Vote? Using Blue Laws' Repeal to Estimate the Effect of Religiosity on Voter Turnout,"Working Paper.
10. Hemmati, H.(1987). Knowledge of religions, Tehran: Publications of the World. [Persian]
11. Hungerman, D. (2010).Does Religious Proscription Cause People to Act Differently? Evidence from a Theory-Based Test," Working paper.
12. Hungerman , D. (2011). The Effect of Education on Religion: Evidence from Compulsory Schooling Laws. This research developed from work funded by the NIH, grant 1R03HD058947-01A1. Email the author at dhungerm@nd.edu.
13. Janbozorgi, M. (2000). Survey efficacy of short-term psychotherapy self-control training with and without orientation religion (Islam) to deal with anxiety and stress, Tarbiat Modarres University, ph.d thesis. [Persian]
14. Johnson, B., Ralph Tompkins, R. & Webb, D. (2002). Objective Hope: Assessing the Effectiveness of Faith-Based Organizations: A Review of the Literature," report for the Center for Research on Religion and Urban Civil Society.
15. Karimi, Y.(2005). Social Psychology, Payam Noor University Press, Fifth Edition. [Persian]
16. Khakigharamaki, M.R.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. [Persian]
17. Khodayarifard, M.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. .[Persian]
18. Levin, J.S.(1994). Religin in aging & health. Theorical foundation and methodological frontiers. California. SAGE. Publications Inc.

19. Lotfabadi, H.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. [Persian]
20. Mesbah,A.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. [Persian]
21. Mckune. B. A (2007).Religion and academic achievement among adolescents. A Tesis submitted to the faculty of Bringham Yong University.
22. Motemedi, A.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. [Persian]
23. Nezaralani, A.D.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. [Persian]
24. Salarifard.M.R.(2005). Theoretical foundations of religious scales, Research Science Press Printing Sobhan Qom. [Persian]
25. Smith, W. C (1963). The meaning of Religion: A New Approach to the Religion Traditions of mankind: New York: Macmillan.
26. Tabatabae, S.M.H.(1985). Almizan. Volume 15, pp. 4, Allameh Tabatabai scientific and intellectual foundation. [Persian]

Archive